

بجنورد، خیابان طالقانی غربی، ابتدای چهارراه بسیج



aftabgardoona@khorasannews.com

آفتاب گردان

۰۵۸-۳۲۲۴۷۲۲۲

۲۰۰۰۹۹۹

## دنیای شگفت انگیز حشرات!

● **پروانه پلنگی:** یک پروانه گول پیکر که روی بال هاش طرح و الگوهای سیاه، شبیه طرح پوست پلنگ دارد.



● **مانتیس ارکیده:** یک مانتیس زیبا، شبیه گل ارکیده که در گل ها پنهان می شه و منتظر می مونه شکارش نزدیک و نزدیک تر بیاد تا اونوقت، غافلگیرش کنه.



● **کرم سبز بید:** یک کرم تپل با چهره ای شبیه آدم فضایی ها یا شخصیت های فیلم های ترسناک. چهره ای که ابزار دفاعی این موجود در برابر دشمنانش به حساب میاد.



● **گل شیطان:** بزرگ ترین حشره ای که تا به حال کشف شده، با سیزده سانتیمتر قد، همین مانتیس گول پیکره که به پادشاه یا ورزشکار حشرات هم معروفه.



● **سوسک هر کول:** یک سوسک شاخ دار یا کرگدنی که گاهی تا هجده سانتی متر قد می کشه و می تونه تا چندین برابر وزن خودش رو تحمل کنه. با این همه گیاهخواره و مهربون.



سلام به دوستان خوب و مهربونم. سلام به بچه های همسن و سال خودم. حالتون خوبه؟ مامان و بابا و خاله و عمو خوبن؟ امیدوارم اگه دانش آموز هستین، اوضاع درس و مدرسه روبه راه باشه و اگه هنوز به سن مدرسه نرسیدین، سر تون با بازی و نقاشی و کارتون های قشنگ، گرم باشه. از خدای مهربون می خوام همیشه سالم و شاد باشید. بیایید همه با هم دعا کنیم روزی برسه که همه بچه های دنیا، درست مثل ما از نعمت امنیت، آرامش، بهداشت و غذای خوب، بهره مند باشن.



## کفشدوزک زبر و زرنگ!

یکی بود، یکی نبود. غیر از خدا هیچ کس نبود. بابا کفشدوزک و مامان کفشدوزکی با پسرشون «خال» خالی، در جنگلی سبز زندگی می کردن. مامان کفشدوزک، کفش های قشنگی درست می کرد و همه حشرات جنگل، مشتری کفش های اون بودن. بابا کفشدوزک هم، کفش های دوخته شده رو به فروشگاه جنگل می برد و می فروخت. خال خالی کوچولو خیلی دلش می خواست مثل مادرش کفش بدوزه ولی پدر و مادرش می گفتن: «تو هنوز کوچولویی و کار کردن برای تو زوده. تو حالا حالاها باید بازی کنی»، خال خالی قبول می کرد ولی توی کارگاه، پیش مامانش می نشست و کفش دوختنش رو تماشا می کرد. یه روز خبر خوشی توی جنگل پیچید. خبر عروسی خاله سوسکه. این خبر، حشرات رو به فکر خرید کفش و لباس نو انداخت. همه دلشون می خواست با کفش و لباس قشنگ توی جشن عروسی شرکت کنن. به همین خاطر مامان کفشدوزک چندین روز پشت سر هم کار کرد و اونقدر دوخت تا خسته و مریض شد. بابا کفشدوزک همه کفش ها رو به دوستانشون داد و اون خوشحال شدن. دو روز بیشتر به عروسی خاله سوسکه نمونه بود که خانم هزارپا به سراغ مامان

کفشدوزک اومد و ازش خواست براش کفش بدوزه تا بتونه با کفش نو در جشن عروسی خاله سوسکه شرکت کنه، ولی وقتی دید اون مریض شده و حالش خوب نیست، ناراحت شد و رفت. اما فردای اون روز وقتی مامان و بابای کفشدوزک از خواب بیدار شدن، دیدن یه عالمه کفش رنگارنگ، اندازه پای خانم هزارپا توی کارگاه، کنار هم چیده شده. اون با تعجب به کفش ها نگاه می کردن و نمی دونستن چه کسی اون همه کفش رو دوخته. ولی وقتی گوشه کارگاه، خال خالی رو دیدن که لنگه کفشی در دست داره و خوابش برده، فهمیدن کسی که کفش ها رو دوخته. خال خالی کوچولو بودم که تمام شب بیدار مونده. خانم و آقای کفشدوزک، از داشتن پسر مهربونی مثل خال خالی خوشحال بودن و خانم هزارپا هم از داشتن کفش های نو، ذوق زده بود.



## رستوران طیب افتتاح شد

چلو شیشلیک، بلغاری، کوبیده، برگ، جوجه، بختیاری، سلطانی



بجنورد، خیابان امام خمینی شرقی، جنب پمپ بنزین قره چورلو

مدیریت: جوادزاده | تلفن: ۳۲۲۵۳۵۰۷ | همراه: ۰۹۱۵۵۸۴۱۱۵۶